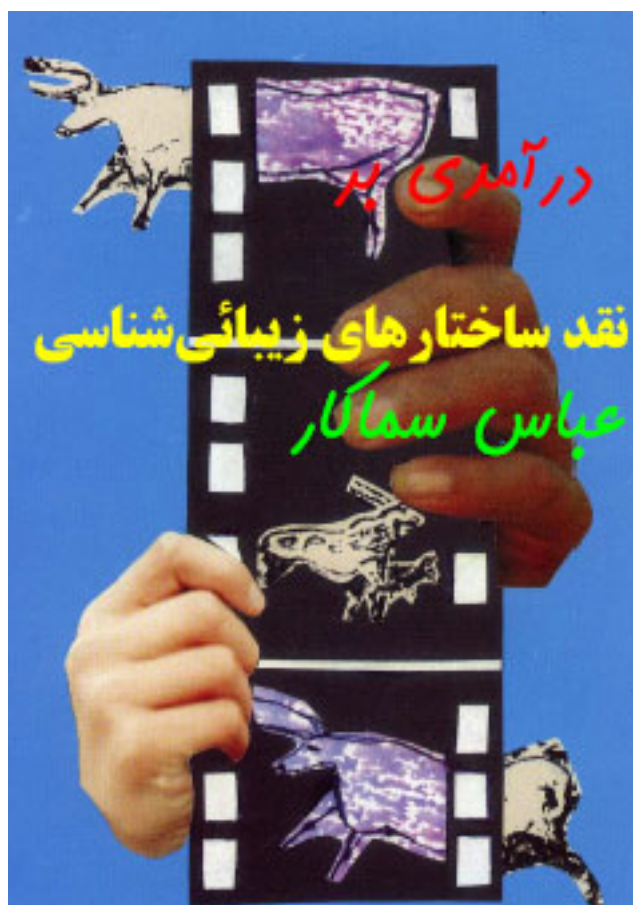


درآمدی  
بر نقد ساختارهای زیبایی شناسی  
عباس سماکار



چاپ دوم  
(با بازنگری ها)  
بخش اول: پیش درآمد

چاپ دوم این گفتار  
به رامین جوان  
به خاطر نگرش ژرفش بر رویکردهای اجتماعی ادبیات و هنر تقدیم می شود

\* درآمدی بر نقد ساختارهای زیبایی شناسی

\* نوشته: عباس سماکار

\* روی جلد: قدسی قاضی نور

\* چاپ اول: بهار ۱۳۷۴ (۱۹۹۵)

\* ناشر: نشر آموزش

\* چاپ دوم: بهار ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)

\* ناشر: خانه هنر

\* آدرس تماس:

e.mail: Abbas.Samakar@gmx.net

## پیش‌گفتار چاپ دوم

بازنگری در این گفتار، ضرورتی بود که پس از گذشت چند سال از چاپ اول آن و به هنگام چاپ دوم پیش آمد. در این بازنگری به پاره‌ای از ویرایش‌ها نیاز بود، تا زبان به‌ناچار پیچیده‌<sup>۱</sup> این گفتار را شاید اندکی روان‌تر کند. به ویژه، برخی ناروشنی‌های آن را که ناشی از سهوهای موجود در چاپ اول بود برطرف سازد و واژگان تازه‌ای را نیز برای روان‌شدن گویش فارسی آن بیابد. با این همه، هنوز اگر اُفت و ایرادی در آن هست، از خواننده درخواست می‌کنم که مرا در جریان پیش‌نهاده‌ها و رهنمودهایش بگذارد. از این لطف، پیشاپیش سپاسگزارم.

## فهرست

صفحه ۳ - ۷	پیش درآمد	بخش اول
صفحه ۸ - ۳۲	درآمد	بخش دوم
صفحه ۳۳ - ۴۸	ادبیات و هنر	بخش سوم
صفحه ۴۹ - ۵۶	پیدایش	بخش چهارم
صفحه ۵۷ - ۸۳	اسطوره، حماسه، شعر	بخش پنجم
صفحه ۸۴ - ۱۱۱	رمان	بخش ششم
صفحه ۱۱۲ - ۱۲۱	تئاتر	بخش هفتم
صفحه ۱۲۲ - ۱۳۰	موسیقی	بخش هشتم
صفحه ۱۳۱ - ۱۳۵	رقص	بخش نهم
صفحه ۱۳۶ - ۱۴۶	نقاشی	بخش دهم
صفحه ۱۴۷ - ۱۵۳	پیکره سازی	بخش یازدهم
صفحه ۱۵۴ - ۱۵۹	معماری	بخش دوازدهم
صفحه ۱۶۰ - ۱۸۳	سینما	بخش سیزدهم

## بخش اول پیش در آمد

درون مایه و انگیزه<sup>۱</sup> این گفتار، روشن ساختن چگونگی و چندگونگی ساختارهای زیبایی شناسی و ورود به حوزه<sup>۲</sup> همگانی نقد و روشن گری در بنا و چارچوب آن است.

هنر و ادبیات را می توان از زاویه های گوناگون تاریخی، اجتماعی و یا صرفاً ساختارشناسی بررسی کرد. بررسی و کنکاش در دیدگاه های تاریخی و اجتماعی این گفتار تا به حال در آثار بسیاری ارائه شده است و قصد نگارنده ورود به این گستره نیست. هرچند، هر جا لازم بوده، به جنبه های تاریخی و اجتماعی موضوع نیز اشاره شده؛ ولی در این جا، کوشش<sup>۳</sup> بیش تر، بر روشن ساختن جنبه های ساختاری نقد ادبی و هنری بوده است.

ساختارها، گستره هایی از کارگزاری هنری و ادبی اند که فرآورده<sup>۴</sup> حوزه های معین زیبایی شناسی، سبک شناسی و دستوری به شمار می آیند. گستره هایی که ضمن اشتراک پایه ای در هنر و ادبیات، در هر کدام از آنها مرزها و جدائی های ویژه<sup>۵</sup> خود را دارد. گونه ای سبک و سیاق که در هر هنر به شکلی

نمایان رخ می‌دهد و در عین حال، به گونه همگانی نیز، چیزی از آن در تمام زمینه‌های هنری و ادبی یافت می‌شود. به این معنی که، فرق بین هنر و ادبیات، در بنیاد، چیست؟ چه نمایه‌هایی آن‌ها را در ساختار از هم جدا می‌کند؟ و همین‌طور؛ در گونه‌بندی ادبی که در برگیرنده افسانه، حکایت، نمایشنامه، شعر، داستان و فیلم‌نامه است؛ و در هنر که شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، موسیقی، رقص، تئاتر و سینما است، کدام جدائی‌ها بازشناساننده این گونه‌ها از یکدیگر است؟

برای مثال، ساختار و پایه‌های زیبایی‌شناسی در تئاتر چه شکلی دارد و جدائی آن با ساختار یک هنر دیگر، فرضاً سینما در چیست؟ و یا جدائی فرضاً داستان از شعر چگونه است؟ کجا مرز یکی پایان می‌یابد و مرز دیگری آغاز می‌شود؟ و در عین حال، یگانگی و هم‌گونی هنرها و ادبیات با هم کجا است؟ برای پرداختن به این موارد، هم‌چنین لازم است اشاره شود که هنر چیست، چرا و چگونه خلق شده و تا کنون، در کل به چه شکل و صورت به کار انسان آمده است؟

جمع‌بندی دستاوردهای ساختاری در هنر و ادبیات، فارغ از این که هر کدام با چه اهدافی به وجود آمده و از هر سبک و شیوه، چگونه و با چه اهدافی بهره‌برداری شده، کاری سودمند و ضروری است. ساده‌ترین این سودها، یاری به درک و برداشت بهتر از اثر هنری و آفرینش هرچه درخشان‌تر آن است. وقتی هنرمندان و دوست‌داران هنر، به دانش شناخت و بررسی پدیده‌های

هنری مجهز شوند، کارائیِ آن‌ها در شناسائی و آفرینشِ بالا خواهد رفت و این موضوعی است که سود گوناگون آن برای کسی پنهان نیست.

البته کاوش در این زمینه‌ها، پیش از این به گونه‌هایی چه در ایران و چه در جهان، در بخش‌ها و پاره‌های هنر و ادبیات انجام گرفته و آثار بسیاری در زمینه شناخت بنیادها و روی کردهای هنری و ادبی تدوین شده است. کوشش نگارنده در این جا، این است که با توجه به این آثار و با بهره‌گیری از آن‌ها، از تکرار خودداری کند و کاری اگر نه پُربار، ولی تازه در این زمینه ارائه دهد. و بی‌تردید، هدف، این هم نیست که تمام تحولات ساختاری بررسی شود. این مهم از توان و بضاعت نگارنده بیرون است؛ بلکه، تنها یک بررسی کلی و توجه به نقطه عطف‌های ساختاری هنر و ادبیات مورد نگر است؛ و در همین اندک نیز از تکرار بررسی ساختاری در شکل‌های مشابه هنرهای گوناگون خودداری شده است.

\*\*\*